



طبیعت‌گرایی اخلاقی؛ تطابق با طبیعت مبنای صدق و کذب مدعیات اخلاقی

طبیعت‌گرایی اخلاقی معتقد است صدق و کذب مدعیات اخلاقی، بر مبنای تطابق آنها با واقعیت‌های طبیعی یعنی واقعیت‌هایی...

سیری در مکاتب اخلاقی غرب/

طبیعت‌گرایی اخلاقی؛ تطابق با طبیعت مبنای صدق و کذب مدعیات اخلاقی
 خبرگزاری مهر- طبیعت‌گرایی اخلاقی معتقد است صدق و کذب مدعیات اخلاقی، بر مبنای تطابق آنها با واقعیت‌های طبیعی یعنی واقعیت‌هایی که توسط علوم طبیعی و اجتماعی مطالعه می‌شود تعیین می‌گردد. مکاتب فلسفه اخلاق در غرب را به انحای گوناگونی دسته بندی می‌کنند. می‌توان چهار مکتب عمده در میان مکاتب فلسفه اخلاق غرب را برشمرد که عبارتند از: طبیعت‌گرایی، شهودگرایی، احساس‌گرایی و توصیه‌گرایی.

طبیعت‌گرایی به مواضع فلسفی مختلف گفته می‌شود که در آنها پدیده‌ها یا فرضیه‌های فراهنجار و فراطبیعی غلط یا ذاتاً متفاوت از پدیده‌ها و فرضیه‌های طبیعی انگاشته می‌شوند.

طبیعت‌گرایی اخلاقی معتقد است که گزاره‌های اخلاقی می‌توانند از درون گزاره‌های بدون بار اخلاقی (از طریق علوم طبیعی) تعریف شوند.

طبیعت‌گرایان معتقدند که احکام اخلاقی و ارزشی را می‌توان از طریق پژوهش تجربی، درست به همان نحوی که گزاره‌های واقعی توجیه می‌شوند، توجیه نمود، مثلاً #171 «خوب» را به #171 «متعلق میل موافق بودن» تبدیل می‌کنند. بر این اساس احکام اخلاقی بیاناتی مبدل از نوعی واقعیت است که می‌توان آن را با تجربه آزمود.

لذا طبیعت‌گرایی اخلاقی معتقد است صدق و کذب مدعیات اخلاقی، بر مبنای تطابق آنها با واقعیت‌های طبیعی یعنی واقعیت‌هایی که توسط علوم طبیعی و اجتماعی مطالعه می‌شود تعیین می‌گردد.

بر اساس این نظر واقعیت‌ها و صفات اخلاقی، انواعی از صفات و واقعیت‌های طبیعی هستند. طبیعت‌گرایی اخلاقی در صدد است تا مفاهیم و واژه‌های اخلاقی مانند خوب و بد و غیره را با استفاده از الفاظ و مفاهیمی طبیعی و تجربی تعریف کند و بر این اعتقاد است احکام اخلاقی بیانه‌های تغییر شکل یافته از واقعیت‌های تجربی‌اند.

به بیان دیگر تمام گزاره‌های اخلاقی را می‌توان به گزاره‌های غیر اخلاقی و ناظر به واقع که قابل اثبات‌اند برگرداند؛ دو گزاره هیتلر خودکشی کرد و هیتلر مرد ضروری است را در نظر بگیرید. گزاره اول ناظر به واقع است که می‌توان صدق و کذب آن را اثبات کرد.

طبیعت‌گرایی معتقد است که گزاره دوم نیز مانند گزاره اول اثبات‌پذیر است. اگر شاهی بر ظالم و شاید بودن او یا ظالمانه بودن اعمال او بیاوریم گزاره دوم را نیز اثبات کرده‌ایم.

به طور کلی بر اساس نظریه طبیعت‌گرایانه دقیقاً همان طور که می‌توان جملات عادی و علمی ناظر به واقع را با تحقیق تجربی توجیه کرد، احکام اخلاقی را نیز می‌توان به همان گونه توجیه کرد.

البته طبیعت‌گرایان در این که مفاهیم اخلاقی را باید با کدام سنخ از مفاهیم طبیعی تعریف کرد اتفاق نظر ندارند؛ برخی این مفاهیم را با مفاهیم زیستی و برخی با مفاهیم اجتماعی و عده‌ای نیز با مفاهیم روان‌شناختی تعریف می‌کنند.

مثلاً برخی واژه #171 «صواب» را به #171 «فعلی که ثبات جامعه بشری را فراهم می‌کند» یا واژه #171 «خوب» را به #171 «چیزی که برای انسان لذت بخش است» تعریف می‌کنند.

نظر به اینکه طبیعت‌گرایان در اینکه مفاهیم اخلاقی را باید به کدام سنخ از مفاهیم طبیعی تعریف کرد نظر واحدی ندارند نظریات آنها نیز دست کم سه دسته شده‌اند:

الف نظریه‌های زیست‌شناختی که مفاهیم اخلاقی را با کمک مفاهیم زیستی تعریف می‌کنند.

ب نظریه‌های جامعه شناختی که از مفاهیم اجتماعی در تعریف مفاهیم اخلاقی بهره می‌جویند.

ج نظریه‌های روان‌شناسی که برای تبیین و تحلیل مفاهیم اخلاقی به مفاهیم روان‌شناختی تکیه می‌کنند.

بر طبیعت‌گرایی اخلاقی اشکالاتی وارد شده که معروفترین آنها اشکالی است که از ناحیه جی ای مور مطرح شده است و به مغالطه طبیعت‌گرایانه معروف است. از نظر مور هرگونه تلاش برای تعریف زبان اخلاق با واژه‌های طبیعت‌گرایانه مثل تعریف خوب به لذت یا سعادت، فضیلت، معرفت و غیره نادرست است و منجر به مغالطه طبیعت‌گرایانه می‌گردد.

اشکال دیگری که به طبیعت‌گرایی وارد شده این است که اگر مفاهیم اخلاقی را مفاهیمی قابل تعریف از طریق مفاهیم تجربی و طبیعی بدانیم جای این پرسش وجود دارد که این مفاهیم برای چه کسی قابل تعریف است.

درست همانگونه که در خصوص شهودگرایی این اشکال مطرح است که ممکن است ما شهودهای متفاوت و حتی متضادی داشته باشیم در این جا هم این امکان وجود دارد که تعاریف متفاوت و متضادی از اصطلاحات اخلاقی که در اصول اخلاقی به کار رفته‌اند ارائه شود. در این صورت ما به دیدگاه‌های متضاد کشیده خواهیم شد و راه حل این تضاد نیز آسان نخواهد بود